



مکتب روانی مشاوره مسیحی

بیش از رستگاری

A Theology of Christian Counseling

More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقااضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.
شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی	فصل اول:
مکتب روحانی و مشاوره	فصل دوم:
اصول کلام خدا - مشاوره و مکافه مخصوص	فصل سوم:
اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان	فصل چهارم:
اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی	فصل پنجم:
اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا	فصل ششم (بخش ۱):
اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا	فصل ششم (بخش ۲):
اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث	فصل هفتم:
اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان	فصل هشتم (بخش ۱):
اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان	فصل هشتم (بخش ۲):
اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان	فصل نهم:
اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت	فصل دهم:
اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد	فصل یازدهم:
اصول رستگاری - بیش از رستگاری	فصل دوازدهم:
اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی	فصل سیزدهم (بخش ۱):
اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی	فصل سیزدهم (بخش ۲):
اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو	فصل چهاردهم:
اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس	فصل پانزدهم:
اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی	فصل شانزدهم:
اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت	فصل هفدهم:
اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج	فصل هجدهم:
اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا	فصل نوزدهم:
اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید	فصل بیستم:
اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا	فصل بیست و یکم:
اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم	فصل بیست و دوم:
اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن	فصل بیست و سوم:
اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت	فصل بیست و چهارم:
خلاصه مطالب	فصل بیست و پنجم:

فصل ششم

اصول خدا (ادامه)

مشاوره مسیحی و دعا (بخش ۲)

موضوع اصلی دعا

پس از سالها استفاده از جزوء "اطلاعات شخصی ایماندار"^(۱۷)، آنچه دیده ایم یکنواخت بودن جواب مقاضیان به سؤال های صفحه آخر آن است. این سؤال ها چنین عنوان شده اند:

(۱) مشکل خود را بطور خلاصه توضیح دهید؟

(۲) چه اقدامی در مورد آن کرده اید؟

(۳) ما چه می توانیم بکنیم (چه انتظاری از ما دارید)؟

در جواب به سؤال شماره ۲ (چه اقدامی در مورد آن کرده اید)، معمولاً یک جواب داده شده: "دعا". البته دعا اقدام صحیحی می باشد و شکی در آن نیست. اما مسئله اینجاست، که تنها کاری است، که صورت گرفته.

دعا به تنهائی به ندرت مسئله ای را حل کرده. ولی آنچه معمولاً شنیده می شود این است که "در مورد آن دعا کردم اما اتفاقی نیافتد". در چنین موقعی مشاور لازم است بگوید، "آیا دعا نیز کردید خدا به شما بگوید چکاری نیز بکنید؟" یا "خوب، پس از دعا دیگر چکار کردید؟". "منظورتان از چکار کردید چیست؟" خوب دعا کردم و حال خدا است که باید کار را انجام بدهد". "درست، ولی او قدم اول را برداشت. در کلامش گفته چکار باید بکنید. خدا در دعا به شما کمک می کند تا آنچه در کلامش گفته را نیز انجام بدهید". در بسیاری از این موارد از این مثال استفاده کرده ام:

"آیا شما دعای عیسی مسیح را در کلام خدا خوانده اید؟"
"بله".

"در متی ۶:۱۱، عیسی مسیح می گوید نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما. درست است؟"
"بله".

"خوب پس از آن، آیا منظور آن است که می توان زیر سایه درخت نشست تا نان از آسمان بر دامن ما سر ازیر شود؟"
"نه".

"چرا....؟ مگر برای آن دعا نکردید؟ مگر حال نوبت خدا نیست که نان را به دستان برساند؟"
"نه. چون در جای دیگری خواندم که اگر کار نکنیم نباید بخوریم. پس منظور این است که علاوه بر دعا باید کار نیز بکنیم؟"
"اینطور بنظر می رسد".

"حال برگردیم به مسئله ای که دارید. خدا راه حل همه مشکلات را در کلامش داده و باید به آن رجوع کنیم".

"اما در جای دیگری مگر نگفته که در دعا خدا به شما آرامش خواهد داد؟" پس این آرامش به خاطر چیست؟

”بله در فیلیپیان ۴: ۶ و ۷ خدا می فرماید: ”برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید. بین گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دلها و ذهنها ایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت.“ اما این آیات شامل متنی نیز می باشد که معنی حقیقی آن را بیان می کند. آیه ۶ می گوید بجای نگرانی دعا کنید. و همچنین گفته چگونه دعا کنید. دعایتان باید در موارد خاصی باشد (”درخواستهای خود“)، نه جواب کلی که مربوط به آن می شود. و می گوید شکر گذار نیز باشید. منظور این است که خدا مسئله شما را می داند و هتماً جواب خواهد داد، ولی می خواهد طالب خودش باشید تا پس از آن نیز آنچه خواهید خواست مطابق خواست او نیز بوده باشد. خدا شما را می شناسد و بهتر می داند در هر موقع، چیست که لازم دارید؟“

تا اینجا، متقاضی متوجه می شود که خدا دعا را مشروط ساخته.

”سپس در آیه ۸ می فرماید: ”در پایان، ای برادران، هر آنچه راست است، هر آنچه والاست، هر آنچه درست است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست داشتنی و هر آنچه ستودنی است، بدان بیندیشید. اگر چیزی عالی است و شایان ستایش، در آن تأمل کنید.“ منظور این است که تمام نگرانی ها و اندیشه های بدی که داشته اید را دور بی اندازید، و جای آن را با آنچه خدا گفته پر کنید. اگر این کار را نکنید، افکار قبلی به شما باز خواهند گشت. افکار غلط باید جیشان را به افکار صحیح بدهند. اگر این کار انجام نگردد، درب بر روی خدا هنوز باز نشده است.

حال می توان برآورده از آنچه تابحال راجع به دعا گفته شده بکنیم. ابتدا افکار صحیح باید جای افکار غلط را بگیرند، و دعای صحیح نیز باعث انجام آن خواهد شد.

”اما بعد در آیه ۹ می گوید: ”آنچه از من آموخته و پذیرفته اید و هر آنچه از من شنیده و یا در من دیده اید، همان را به عمل آورید، که خدای آرامش با شما خواهد بود.“ آنچه باید ”به عمل آورید“ را خدا در کلامش مشخص کرده. پس از آن، ”آرامش با شما خواهد بود“. توجه داشته باشید، زمانی که ”عمل“ می آورید نیست که ”آرامش با شما خواهد بود“، بلکه پس از آنکه عمل آورید، آرامش را خواهید یافت.

خدا می گوید:

اعصیا ۵۵

۸: زیرا خداوند می فرماید

افکار من افکار شما نیست
و طریق های شما طریق های من نی.

۹: زیرا چنانکه آسمان از زمین بلند تر است
همچنان طریق های من از طریق های شما
و افکار من از افکار شما بلند تر می باشد.

حال می بینید که نه تنها افکار ما لازم است مطابق کلام خدا بگردد، بلکه رفتار ما نیز باید مطابق کلام بگردد. شکی نیست که دعا لازم است، ولی قلم اول، از سری اقداماتی است که باید انجام گرددند. همیشه تمام آنچه کلام گفته را مد نظر بگیرید. دعائی که مطابق کلام می باشد معمولاً شامل عمل نیز می باشد.

”پس چرا کسی این ها را قبلًا بمن نگفت؟“

”اما حال که گفته شد، موقع آن رسیده آنچه کلام راجع به مسئله ای که دارید گفته را بررسی کنیم، و با کمک روح القدس به مرحله اجرا در آوریم.“

آموزشی که دعا را بدون عمل لازم می دارد، کار را انجام نشده باقی می گذارد. تنها در فکر است و خیال، و قدرت انجام کار را ندارد. در صورتی که کلام خدا دعا را قبل از هر اقدام، واجب می داند. اقدام نیز معمولاً انجام کاری را شامل می گردد. دعا باید نتیجه خاصی را به مقاضی برساند، اگر نه، فایده زیادی ندارد^(۱۸).

صحبت بیشتری می توان راجع به دعا و نقشی که در مشاوره مسیحی دارد بکنیم، اما چون موضوع وسیعی است، امیدوارم در آینده کتاب خاصی در این رابطه عرضه کنم.

جواب دعا

بسیاری از مسیحیان فکر می کنند خدا به دعایشان جواب نداده. این موضوع مهمی است که احتیاج به بررسی دارد. شکی نیست که خدا همه دعا هارا می شنود، ولی امکان دارد توجه و اقدامی برای آن نکند، و اگر بکند، در دراز مدت انجام بدهد. فکر آنکه خدا صدای کسی را نمی شنود صحیح نیست^(۱۹). خدا همه جا هست و همه چیز را می بیند و می شنود. بجای "شنیده" بهتر است بگویند "قبول ندارد"^(۲۰). و اگر قبول ندارد، اشکال از خدا نیست. پس اشکال در خودشان باید باشد. اینها باید بتوانند قبول داشته باشند که خدا اشکالی ندارد، و اشکال در خودشان است.

نتیجاً می توان گفت، خدا می خواهد با قبول نکردن دعایمان، ما را به اشکالی که بر درون داریم هدایت کند. خدا می خواهد نظر بر درون خود بی اندازیم و خود را بسنجیم. درخواست ما در دعا نیز باید مربوط به آن باشد. نتیجاً می توان گفت اشکال، خواست بخصوصی بوده که در دعا داشته ایم. در این رابطه نیز، اشکالاتی که (در دعا) معمولاً باعث بی اعتنای خدا می شوند را کلام خدا نام برد. من به آنچه مربوط به مشاوره می شود را مورد نظر قرار داده ام.

۱. خدا دعای دلی که دوروئی در آن است را قبول نمی کند. وقتی ایمانداری نظرش، با آنچه در دعا به زبان آورده یکی نمی باشد، دوروئی اوست (مزمر ۶۶: ۱۸). در این آیه "بدی را در دل منظور داشتن"، شرارتی است که در دل دارد. لازم است هر موضوعی را به درستی قبل از دعا شرح داد تا بتوان اطمینان داشت که دوروئی ایجاد نخواهد شد.

۲. خدا دعای دلی که اطمینان ندارد را قبول نمی کند. البته منظورم این نیست که خدا در فیضش اقدام به کاری که ما به آن شک داریم، نمی کند؛ زمانی هست که آن را کرده است (اعمال ۱۲: ۱ - ۱۶). اما، بطوری که یعقوب می گوید، "زیرا کسی که تردید دارد، چون موج دریاست که با ورزش باد به هر سو رانده می شود. چنین کس نپندرد که از خداوند چیزی خواهد یافت" (یعقوب ۱: ۶ و ۷). در آیه ۵ همان فصل می گوید "اگر از شما کسی بی بهره از حکمت است، درخواست کند از خدایی که سخاوتمندانه و بدون ملامت به همه عطا می کند، و به وی عطا خواهد شد". آن حکمتی که صحبت از آن می کند چیست؟ جواب را در آیه ۱ این فصل می بینیم، "ای برادران من، هر گاه با آزمایش‌های گونلگون رویه رو می شوید، آن را کمال شادی بینگارید!" منظور تفخیس درونی است، که لازم است تا آنچه تطبیق با کلام ندارد افشا گردد و راه مطابقت با آن نیز بدست آید. این حکمتی است که دوروئی را از میان بر می دارد و جایش را با ایمان پر می کند. تا زمانی که مقاضی شناختی از اشکال خود ندارد، دعایش باید تنها مربوط به اشکالش باشد. حال می بینیم که دعا مشروط بر اوضاع درون دل است. اگر دل ناراحت و پر جوش است، اشکالی در دل است و اول باید دعا برای رفع اشکال انجام شود. اگر شکی در کار است، باید مورد آن افشا گردد، و دعا با خاطر آن باشد. دعا، ورد جادو گری نیست. حقیقت دارد.

۳. خدا دعای دل رنجیده و خشمگین را قبول نمی کند. مثال آن را در مرقس ۱۱: ۲۵ می بینیم که عیسی می گوید، «پس هر گاه به دعا می ایستید، اگر نسبت به کسی چیزی به دل دارید، او را ببخشید تا پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را ببخشد». منظور این است که ابتدا موضوع را با شخص مورد نظر در میان بگذارید، و صلح و آشتی را بجای آورید. بخشنیدن، نادیده گرفتن نیست^(۲۱). بخشنیدن حل و فصل مسئله است. دعا باید برای حل و فصل و ایجاد صلح و آشتی باشد نه چیز دیگر. منظور اولویتی است که در دعاست. کینه، خشم و تنفر، زندگی بسیاری از ایمانداران را تحت نفوذ خود قرار داده و موضوع روزانه مشاوره مسیحی است. همچنین می دانیم که خشم و تنفر، خود ریشه گناهان دیگری نیز می گردند. مقاضی باید بخشنیدن را در دل خود جویا شود. باید بتواند ببخشد. چرا؟

۱. بخاطر عیسی مسیح که آن را خواسته.
۲. بخاطر کلیسا که نیاز به صلح و یکدلی اعضاپیش دارد.
۳. بخاطر شخصی که مرتکب خطا شده.
۴. بخاطر خودش که می خواهد رابطه با خدا را حفظ کند.

ایمانداری که یوغ خطای واردہ را بتواند از دوش خود رها کند، خواهد توانست صلح و صفارا نیز با خطا کار برقرار سازد.

۴. خدا دعای دل فریسی نما را قبول نمی کند. در این مورد، کلام دو اشکال را نام برده:

- الف. فریسیان قالباً دعایشان برای خودنمایی به دیگران بود (متی ۶: ۵ و ۶). کسی که دلش با خودش می باشد، نه با خدا، دعایش نیز دوروئی خواهد بود. اشکال از دل است که لمس لازم را دریافت نکرده است.
- ب. افرادی هستند که می خواهند فضیلت خود را در دعا نشان دهند (لوقا ۹: ۱۴ تا ۱۸). شاید کمبودی دارند و می خواهند با کارهائی که می کنند یا شناختی که از کلام دارند جبران سازند. مقایسه را پیش می کشند و خود را واجد شرایط می خوانند.

مشاوران لازم است توجه به این افراد بکنند و اشکال را در پرتو محبت برادرانه حل نمایند^(۲۲). این روحیه می تواند شکل دیگری را نیز بخود بگیرد. شوهری ممکن است در دعا خود را برتر از همسرش نشان دهد، یا حرفی بزند که به آن اعتقاد ندارد. نه تنها به این گونه دعا ها توجه نمی شود، بلکه دشمن می تواند از آن ها استفاده نیز بکند.

۵. خدا دعای دلی که خودمحور است را قبول نمی کند. یعقوب بطور واضح از آن صحبت می کند، «آنگاه نیز که درخواست می کنید، نمی یابید، زیرا با نیت بد درخواست می کنید تا صرف هوسرانیهای خود کنید»(یعقوب ۴: ۳). البته درخواست از خدا بد نیست، ولی آنچه تنها مصرفش برای خود است، و محبت به دیگران را شامل نمی گردد را خدا قبول نمی کند. عیسی مسیح می گوید، «بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و انجام اراده او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد»(متی ۶: ۳۳). اصل «پادشاهی خدا و انجام اراده او» است نه چیز دیگر.

یعقوب "نیت بد در خواست" را خودخواهی و خود محوری شمرده. در نتیجه، پادشاهی و اراده خدا لازم است جای خودخواهی و حاکمیت بر خود را پگیرد. منظور نیازی است که لازم به برآورده شدن دارد. وقتی پادشاهی خدا بر متقاضی حاکم گردد، آنوقت اراده خدا نیز در دعا منظور خواهد شد. زمانی که متقاضی درک کند، خدا بهتر از خودش او را می‌شناسد و نیازهای او را بهتر می‌داند، آنوقت دعایش جانب خدا را خواهد گرفت. عیسی مسیح نیز قبل از صلیب گفت، «ای پدر، اگر اراده توست، این جام را از من دور کن؛ اما نه خواست من، بلکه اراده تو انجام شود.» (لوقا ۲۲: ۴۲). در حقیقت این گونه دعا هاست که جواب را همیشه بست می‌آورند، چون هر چه واقع شود، اگر خواست خدا باشد انجام می‌گردد، و اگر خواست خدا نباشد انجام نخواهد گرفت. به این شکل است که خدا زندگی متقاضی را هدایت می‌کند. به این شکل است که فراز و نشیب‌های زندگی متقاضی، در دست خدا قرار می‌گیرند. باید اطمینان بست آورد که خدا بهتر می‌داند چه برایش خوب است و چه برایش خوب نیست. اگر این حقیقت برایش مسلم نگردیده باشد، دور روئی و خود خواهی یقیناً سرافش خواهد آمد.

موضوع دیگری که در "ملکوت خدا" نهفته است، دلالتی است که در خداست. متقاضی جایش در ملکوت خدا تضمین شده، و دلیل آنچه در زندگی او رخ می‌دهد تنها با خاطر خود متقاضی نیست. دلیل خواست خدا است که خدا می‌خواهد در زندگی او انجام شود. ممکن است کاملاً مطابق با کلام دعا کرد و جواب نگرفت. دلیل آن نیست که خدا نشینیده. دلیل آن است که خواست خدا چیز دیگری بوده. عیسی مسیح دعا کرد که "جام" را از او دور کند، ولی خواست خدا چیز دیگری بود. ملکوت خدا یعنی مالکیت خدا (با شامل مالکیت خدا). خدا مالک زندگی متقاضی شده و او را در راه تنگ و باریکی که خدا برایش ساخته هدایت می‌نماید. خدا می‌گوید، "اما اگر از آن سبب رنج می‌برید که مسیحی هستید، شرم‌سار مباشید، بلکه خدا را تمجید کنید که این نام را بر خود دارید" (اول پطرس ۴: ۱۶). در جای دیگر می‌گوید، "و اگر فرزندانیم، پس وارثان نیز هستیم، یعنی وارثان خدا و هم ارث با مسیح. زیرا اگر در رنج‌های مسیح شریک باشیم، در جلال او نیز شریک خواهیم بود" (رومیان ۸: ۱۷). جلال فرزندان خدا در این زندگی، با وجود آنکه معمولاً بست می‌آید، جنبه ثانوی دارد، و تنها با خاطر تشویق به جلال آوردن به خدا است. اصل، جلال خدا است که راه را تنگ و باریک می‌نماید. جلال اصلی فرزندان خدا زمانی صورت می‌گیرد که مسیح ظهر کند، "چون مسیح که زندگی شماست، ظهر کند، آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد" (کولسیان ۳: ۴) (۲۳). نتیجاً، نکته حیاتی که در این دعاست، دانش و اطمینانی است که خدا صاحب زندگی متقاضی شده، و زندگی او را آنگونه هدایت خواهد کرد که خدا می‌خواهد، و آنچه راه را برای خدا و انجام کارش باز نگاه می‌دارد، همدلی متقاضی (پذیرا بودن) با خدا است. زمانی که این موضوع باعث درک متقاضی شود، آنوقت دعای متقاضی نیز همدلی او را با خدا هموار خواهد نمود (۲۴).

۶. خدا دعای دلی که مطابق با کلام نباشد را قبول نمی‌کند. عیسی مسیح می‌گوید، "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هر آنچه می‌خواهید، در خواست کنید که برآورده خواهد شد" (یوحنا ۱۵: ۷). اما این وعده شرط "اگر" را نیز دارد. ابتدا می‌گوید، "اگر در من بمانید". معنی آن این است که خدا تنها دعای ایمانداران به عیسی مسیح را قبول دارد (۲۵). کسانی که در او بمانند، جلال یافتگان و مقدسین خواهند بود. این اصل ثابت قدمی مقدسین خدا است. همه مقدسین حقیقی ثابت قدم خواهند ماند، و در نتیجه، همه ثابت قدمان مقدس خواهند بود.

اما شرط دومی که نام برده شد لازم به صحبت بیشتری دارد. دعا باید سرچشمه از عیسی مسیح و مطابق با کلامش باشد (که امروزه آن را در کتاب مقدس در دست داریم). "کلام من" (یوحنا ۱۵: ۷) (۲۶)، لازم است چند بار خوانده شود و در دل متقاضی سکونت کرده باشد تا متقاضی بتواند "در

من” بماند. کلامش وقتی در دل جای گرفت، محرک و هدایت کننده او خواهد شد (مزמור ۱۱۹: ۱۱)، و نه تنها او را از گناه دور نگاه خواهد داشت، بلکه دعایش را نیز هدایت خواهد کرد. معمولاً می توان یکی از انجیل مسیح را در یک هفته خواند (و اگر لازم شود دو هفته خواند). این کار به مشاور اطمینان خواهد داد که آنچه در خصوص مسئله مقاضی می خواهد مطرح شود، واجد شرایط کار روح القدس خواهد گردید. دل مقاضی در مسیر عیسی مسیح واقع خواهد شد و دعایش نیز موافق کلام خدا خواهد بود. این حقایقی است که لازمند، تا دعای دل، مطابق با کلام گردد و مورد قبول خدا قرار گیرد.

از جانب دیگر، همه مشاوران مسیحی می دانند که دعای دل نباید شامل آنچه خدا منع کرده باشد. اما نباید فراموش کرد که اکثر مقاضیان آنچه خدا منع کرده را نمی شناسند. به این خاطر نیز، لازم است کلام مسیح در دل مقاضی جای گرفته باشد تا بتوان مسئله او را در مسیر تنگ و باریک خدا حل کرد. کلام خدا، مثال و تشابح ها را نیز فراهم ساخته، که در موقعی که لازم شد از آنها استفاده کرد(۲۷). بعنوان مثال ممکن است در دعا بشنوید، ”خدایا، تصمیمی که هفتة قبل گرفتم را برکت بدہ“. هیچ جائی در کلام چنین دعائی را نمی بینیم. دعara می توان قبل از تصمیم، یا در حال تصمیم گرفتن انجام داد (و تنها بعد از تصمیم گرفتن دعای برکت را بجای آورد)، ولی نه آنکه بدون دخالت خدا بخواهیم برکتی را بما بدهد. اگر دانش کلام بقدر کافی وجود داشته باشد، دعای مقاضی نیز مطابق آن خواهد بود. اما اگر نباشد، نخواهد بود.

۷. خدا دعای دلی که خطاب به خود باشد را قبول نمی کند. دعا چه جانبی را دارد؟ آدرس روی پاکتی که دعara به بهشت می رساند کدام است؟ دعا باید در ”نام“ عیسی مسیح صورت بگیرد(۲۸). اما این ”نام“ چه معنی دارد. در کلام خدا، ”نام“، نشانه شخص است، همراه با تمام خصوصیاتی که دارد. در نتیجه شناخت عیسی مسیح است که شرط لازم را برای استفاده از ”نام“ او فراهم می سازد.

دعائی که منظور و مقصودش مطابق با شخص و خصوصیات عیسی مسیح نباشد، در ”نام“ عیسی مسیح نمی تواند باشد. شناخت عیسی مسیح است که ”نام“ او را برای مقاضی فاش می کند. مقاضی ابتدا باید با ”ماهیت“ نام عیسی مسیح آشنا شده باشد تا بتواند در ”نام“ عیسی مسیح دعا کند. نتیجتاً باید پرسید، چیست که باعث می شود تا خدا دعای دلی که در نام عیسی مسیح ابراز شده را قبول کند؟

۱. دعای دلی که می شناسد عیسی مسیح کیست و چه کار کرده، و
۲. دعای دلی که عیسی مسیح را حذف و نافع قرار می دهد.

خدا همه دعا ها را می شنود، اما دعای ایمانداران است که قبول می کند، خصوصاً به دعائی که در نام عیسی مسیح ارائه شود. چون نجات از گناه در او آغاز می شود (عبرانیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۱۱: ۳۶) و گناه است که در مقابل خدا ایستاده. دعای ایماندار، باید با روحیه ای باشد که می گوید، تمام درخواست هایم بخاطر رابطه پاکی است، که در عیسی مسیح دارم.

این ۷ شرط فهرست کاملی نمی باشد، ولی گمان دارم از عده شرایط دعا محسوب می شوند. مقاضیان غالباً یک یا دو مورد از آنها را به زبان می آورند که نشانه صحیحی از کمبودی که دارند، می شوند. به این دلیل لازم است مشاوران مسیحی با این شرایط آشنا بشوند تا بتوانند خدمت مؤثر تری را انجام دهند.

در آخر باید دوباره تاکید کنم که خدا با ندادن جواب به دعای فرزندانش، با ایشان صحبت می‌کند. بخاطر آن نیست که با ایشان مخالف است. بخاطر آن است که ”او“ می‌داند در هر زمان چه نیازی را دارند. او خود حیات است و کمبود های آن را تنها او می‌شناسد. منظور این است که باید دلیل آنکه به دعا جواب داده نشده را تا جائی که امکان دارد پیدا کرده و به آن رسیدگی کرد. جوابی که خدا داده این است که اشکالی در دعا وجود دارد. در مسیر خدا نبوده. و این هفت مورد زمینه را برای تفحص اشکالی که هست فراهم خواهند کرد.

خلاصه

در دنبال صحبت هایم راجع به دعا، لازم می‌دانم آنچه قبلًا در مورد محیط زیست فرزندان خدا گفتم را، دوباره تکرار کنم. خدا محیط زیست ایمانداران را تشکیل می‌دهد. بخاطر آن است که شناخت محیط زیست ایمانداران، از خدا آغاز می‌شود و به او خاتمه می‌یابد (اگر خاتمه ای وجود داشته باشد). دعای ایماندار، او را با محیط‌ش هماهنگ می‌سازد و خدا را شریک می‌شمارد. مقاضی از طریق دعا با خدا صحبت می‌کند، و خدا از طریق کلامش با او صحبت می‌کند. این رابطه هر چه نزدیکتر بشود، قویتر نیز می‌گردد، و خدا جلال بیشتری را خواهد یافت.

فهرست زیر نویس های فصل ششم (بخش ۲)

- (۱۷) نمونه این جزو را در کتاب ”راهنمای مشاوران مسیحی“ خواهید یافت.
(۱۸) البته خدا نیازی به کمک انسان ندارد تا کارش را نجام دهد. اما این از مسؤولیتی که در قبال انجام احکام خدا داریم کم نمی‌کند.
(۱۹) مزمور ۳۹:۱؛ ۵۴:۱؛ ۵۵:۱ و ۷:۵۹؛ ۶۶:۱۸؛ ۱۰۲:۱؛ اشیعیا ۱:۱۵
ارمیا ۱۱:۱۴؛ ۱۴:۱۲؛ حزقيال ۸:۱۸.
(۲۰) البته به سادگی نمی‌توان فرق میان قبول کردن و جواب گرفتن را شناخت. وقتی خدا به دعائی ”گوش“ می‌دهد، معلوم است که پسندیده او بوده و توجه به آن کرده است. اما ممکن است در مشیت روحانی خود عطا نفرماید، یا بگونه ای که خواسته شده عطا نفرماید. در نتیجه، جواب دعائی که در شکل ”نه“ بوده، مساعد درخواست کننده نبوده است (دوم قرنتیان ۱۲:۸ و ۹).
(۲۱) مقاضی باید دائمًا موضوع را مورد توجه شخص دیگر قرار دهد تا روحیه ایجاد شده و صلح و آشتی در میان آید.
(۲۲) مرقس ۱۲:۳۰؛ یوحنا ۱۳:۳۵؛ یوحنا ۱۳:۱۳؛ اول قرنتیان ۱۳:۳ تا ۷؛ غلاطیان ۵:۱۴؛ اول پطرس ۴:۸؛ اول یوحنا ۲:۱۵؛ اول یوحنا ۴:۷ و ۸ و ۲۰.
(۲۳) همچنین اول پطرس ۵:۱۰.
(۲۴) هر چه افکار و رفتارش مطابق با کلام گردد، اوقات بیشتری را همدل با خدا خواهد گذراند.
(۲۵) در حقیقت کلام عکس آن را می‌گوید (امثال ۲۸:۹).
(۲۶) همچنین یوحنا ۱۴:۱۳ و ۱۴:۱۶؛ ۲۴:۲۶.
(۲۷) در خصوص مثال ها و تشابهی که در کلام وجود دارد به فصل سوم این کتاب مراجعه کنید.